

بی‌نهایت طلبی یعنی چی؛ چرا ما به هیچ چی راضی نمی‌شیم؟

اینکه بفهمم بی‌نهایت طلبی یعنی چی، به چه دردم می‌خوره؟

تاحالا به این فکر کردین که بی‌نهایت طلبی یعنی چی؟ اصلاً تا حالا چیزی راجع بهش به گوشتون خورده؟ آگه یه نگاهی به دوروبرمون بندازیم، آدمایی رو می‌بینیم که به هیچ چی راضی نیستن و هی بیشتر و بیشتر می‌خوان،+ اما این معنیش چیه؟ یعنی واقعاً هیچ حدو مرزی واسه آرزوهای ما نیست؟ بیاین چند لحظه دنیایی رو تصور کنیم که توش هیچ کی هیچ آرزویی نداره، اصلاً هیچ کس دنبال هیچ چی نیست! دنیاش خیلی کسل‌کننده و بی‌روح میشه، درسته؟ آخه آرزوها و هدفای ما مثل موتور زندگی‌اند! آگه هیچ کی هیچ چی نخواد، همه چی بی‌حال و بی‌هیجان میشه.

حالا یه دوربرگردون بزنیم، برگردیم تو دنیای خودمون. دنیای واقعی‌مون که پر از آرزو و هدفه. اینجا ما همه‌ش دنبال چیزای جدیدیم، یعنی اصلاً یه دقیقه هم نمی‌تونیم آروم بشینیم. همینکه یه گوشی یا وسیله جدید می‌خریم، بعد از یه مدت دلمونو می‌زنه و یه‌دونه جدیدتر و بهترشو می‌خوایم. انگار هیچ وقت راضی نمی‌شیم. نگران شدین، نه؟ اصلاً جای نگرانی نداره. آخه این یه بخشی از طبیعت ماست، واسه اینکه ما بی‌نهایت طلبیم!

هممون بی‌نهایت طلبیم!

آگه بهمون بگن چقدر پول می‌خوای تا همه آرزوهات برآورده بشه، چی می‌گیم؟ یه میلیارد؟ ده میلیارد؟ صد میلیارد؟ احتمالاً یه لیست بلند بالا از آرزوها تو ذهنمون میاد و بعدشم یادمون میفته که چند تا چیز رو هم

جا انداختیم! چند دقیقه دیگه صبر کنیم، احتمالاً لیستمون دو برابر میشه! انگار خواسته‌های ما هیچ تھی ندارن و هیچ چی نمی‌تونه ما رو کاملاً راضی کنه. یا تو این دنیا هیچ وقت نمی‌تونیم به همه چیزایی که می‌خوایم برسیم و همیشه یه چیز بیشتر می‌خوایم و این یعنی همون بی‌نهایت طلبی! اگه هرکدوممون به زندگی خودمون و آرزو هامون نگاه کنیم، حتماً این میل به بیشتر خواستنو به جایی تو وجودمون پیدا می‌کنیم. واسه همینم بی‌نهایت طلبی هیچ نیازی به ثابت کردن نداره! چون یه جایی تو خودمون پیداش می‌کنیم. مثلاً اگه یه دوچرخه باحال کوهستان داشته باشیم، بعدش دلمون یه اسکوتر برقی می‌خواد، اگه اونم بگیریم، احتمالاً چند وقت بعدش عاشق یه موتور سوپر بایک می‌شیم! یا اگه بریم توی یه رشته ورزشی، تمام آرزومون این میشه که بتونیم طلای المپیک یا جهانی رو توش بگیریم و اگه بگیریمش، بازم راضی نمی‌شیم و به فکر رکورد زدنا و گرفتن مدالای بیشتری، یعنی یه جورایی همیشه بین خواسته‌هامون در حال چرخیدنیم و هیچ وقت پایانی واسشون تصور نمی‌کنیم؛ فکر کنم یواش یواش داره واسمون جا میفته که بی‌نهایت طلبی یعنی چی!

اصلاً میدونین این بی‌نهایت طلبی از بچگی با ما هاست. یاد تونه وقتی کوچیک بودیم، دوست داشتیم همه اسباب بازی و خوراکیای دنیا رو داشته باشیم؟ حالا هم که بزرگ تر شدیم، آرزو هامون به همون نسبت بزرگ تر شدن، یعنی همیشه یه چیزی هست که ازش بیشتر بخوایم؛ مثلاً امروز یه پلی استیشن داریم، فردا دلمون یه ایکس باکس می‌خواد، بعدش چشممون دنبال یه گیمینگ پی سی فول می‌گرده! یا اگه نمره هامون تو مدرسه عالی و شاگرد اولیم، دلمون می‌خواد تو مسابقات علمی ام برنده بشیم، یا مثلاً اگه اهل بازی کامپیوتری هستیم، وقتی یه بازی جدید می‌خریم و همه مرحله هاشو تموم می‌کنیم، بلافاصله دنبال بازی بعدی می‌گردیم. یه جورایی همیشه یه چیز جدیدی هست که بخوایم بهش برسیم. این میل به خواستن بیشتر و بهتر تو همه ما هست و هیچ وقتم متوقف نمی‌شه.

چرا ما این‌جوری هستیم؟

شاید از خودمون بپرسیم که اصلاً این بی‌نهایت طلبی از کجا اومده؟ یا وقتی دنیا و عمر ما محدوده، چرا باید این‌جوری باشیم؟ آخه این میلی که همیشه ما رو از یه خواسته دنبال یه خواسته دیگه می‌فرسته و یه وقتایی آرامشمونو ازمون می‌گیره، به چه دردی می‌خوره؟ اصلاً میشه یه جورایی این میلیو تو خودمون از بین ببریم، تا از دستش راحت بشیم؟ آیا اگه جلو شو بگیریم، به آرامش می‌رسیم؟

می‌دونین، هیچ آرزویی بی‌دلیل و بی‌ریشه تو وجود ما شکل نمی‌گیره. بذارین واضح‌تر بگم، ما چون یه وجود بی‌نهایت داریم، تو خودمون میل به بی‌نهایتو احساس می‌کنیم؛ یعنی خواسته‌هامونم مثل خودمون بی‌نهایتن، هم همه چیزو می‌خوایم، هم بهترینشو می‌خوایم، اما این وسط اگه خودمونو شناسیم یا دقیقاً ندونیم چی می‌خوایم و میل بی‌نهایت طلبی یعنی چی، ممکنه گیج و سرگردون بشیم، یعنی به جای خواسته‌ها و آرزوهایی که تو قد و قواره خودمون هستن، تو دام خواسته‌های کوچیکمون بیفتیم.

آخه میدونین وجود ما که فقط یه قسمت نیست! از قسمتای مختلفی درست شده، اما نکته‌اش اینجاست که همه قسمتای وجود ما بی‌نهایت نیستن! یعنی ما تو همه قسمتای وجودمون ظرفیت بی‌نهایت نداریم. حتی اگه ظرفیتشم باشه، عمر کوتاه ما تو این دنیا انقدری نیست که به همه خواسته‌هامون برسیم! ما اگه وجودمونو شبیه پنج تا پیمونه با اندازه‌های مشخصی بدونیم، فقط یکی از این پیمونه‌ها اندازه بی‌نهایت بزرگه. بقیه‌شون چون کوچیکن، اصلاً جایی واسه خواسته‌های بی‌نهایت ما ندارن. همون‌جور که همیشه بی‌نهایت آب رو تو یه لیوان کوچیک جا داد، ما هم نمی‌تونیم بی‌نهایت کمال و خواسته رو توی جسم کوچیک و عمر کوتاه خودمون جا بدیم. بعدشم چون بلد نیستیم بی‌نهایت طلبی خودمونو مدیریت کنیم، استرس و اضطراب می‌گیریم. چون نمی‌تونیم همه چیزایی که می‌خوایم رو داشته باشیم و این باعث ناراحتی‌مون میشه!

حالا اگه دوست دارین بدونین چاره چیه و ما چه‌جوری می‌تونیم این میل دوست‌داشتنی اما ناآرومون رو مهار کنیم، با ما همراه بشین!